

حمیدرضا آصفی در گفت‌وگو با «ایران»:

بایدن درباره برجام سریع تصمیم نمی‌گیرد

افراطو تفریط بر سر برجام برخلاف منافع ملی است

احسان بدانی خبرنگار

لای‌های مختلف، کارتل‌های اقتصادی و این دست مجامع را هم در نظر داشت. یعنی اینها هم از جاهایی هستند که سیاست خارجی آمریکا را شکل می‌دهند. این نیست که سیاست بر سر برجام برخلاف منافع ملی است. همانگونه که اشتیاق برای مذاکره با دولت بایدن برآورده کننده منافع ما نخواهد بود، از بین بردن برجام از سوی ایران هم چنین حکمی خواهد داشت. اوالته می‌گوید در دولت بایدن تحولاتی اساسی بین ایران و آمریکا شکل خواهد گرفت اگر چه این تحولات به عمر دولت روحانی نرسد. این گفت و گو را ادامه می‌خوانید.

■ آقای بلینکن در یکی از اولین اظهاراتش در مقام وزیر امور خارجه دولت آمریکا، تأکید کرد برای تعیین تکلیف برجام ابتدا ایران باید از اقدامات متقابلش چشم‌پوشی کند. یعنی چیزی که درست عکس شرط ایران بود. تعیین این شرط توسط دولت بایدن از نظر شما چقدر قابل پیش‌بینی بود؟

به نظر من این اتفاق قابل انتظار و کاملاً احتمالی بود. به عبارتی برای کسانی که در سیاست حرفه‌ای هستند این مسأله کاملاً طبیعی بود که رفتار علیه دولت آمریکا فاصله ملموس و حتی فاحشی با برخی شعارها و وعده‌های انتخاباتی داشته باشد. یعنی اگر غیر از این بود طبیعی نبود. معلوم بود که بایدن براحتی به برجام بر نمی‌گردد. موضوعی که مسئولان آمریکایی قبل از پیروزی در انتخابات گرفتند در قیاس با آنچه که بعد از آن موضعگیری کردند، تغییر رویکرد را کاملاً نشان می‌دهد. تیم بایدن در سه مرحله مقابل ایران قدم به قدم سخت‌تر شد. در دوره تبلیغات انتخاباتی آنها مواضع نسبتاً نرمی داشتند، در دوره انتقال قدرت مواضع آنها سخت‌تر شد و اکنون در مسند قدرت شاهد هستیم که دیگر کمتر خبری از آن نرمش‌ها وجود دارد.

■ فکر می‌کنید این روند سخت‌تر شدن مواضع ادامه داشته باشد؟

بستگی به شرایط و رفتار ما در ایران هم دارد که در ادامه توضیح می‌دهم. اما از دید خود آمریکایی‌ها بله، من معتقدم هنوز شاید یک قدم دیگر هم از این سخت‌تر شوند. چند دلیل دارد؛ مهم‌ترین آنها اینکه در آمریکا فقط تیم بایدن نیست که تصمیم می‌گیرد و این تیم به تنهایی نمی‌تواند کار کند. لای‌های مختلف و گروه‌های متنفذ و همین‌طور نفوذ جمهوریخواهان هنوز پابرجاست، هر چند کمتر از دوره قبل شده. اضافه بر آن اینکه در خود دموکرات‌ها هم یک طیف خواهان سختگیری با ایران داریم که نباید آنها را نادیده گرفت. نکته دیگر هم این است که برجام اولویت اصلی دولت بایدن نیست که بخواهد بابتش با دیگران درگیر شود و انرژی خود را برای این درگیری بابت مسائل دیگری خواهد گذاشت. اما درباره مسائل خارجی باز هم دولت آمریکا به تنهایی تصمیم‌گیر نیست؛ اروپایی‌ها هستند، اسرائیل و لای‌های آن هستند، کشورهای عرب منطقه هم هستند. اگر مجموعه این عوامل را ببینیم، این طور نیست که فکر کنیم بایدن همین فردا می‌تواند به برجام برگردد. بایدن با سیاست‌های ترامپ مخالف بود و این کاملاً روشن است. ولی حتماً نه دلش بابت فشاری که به ایران آمده و تحریم‌هایی که ترامپ به عنوان یک ابزار اعمال فشار برای او به کار گذاشته خوشحال است و دوست ندارد است و کند که ایران بدون امتیاز دادن از این وضعیت خارج شود. ترامپ می‌گفت در گوشه رینگ همچنان به ایران مشت بزنیم و بایدن می‌گوید مشت زدن را قدری رها کنیم اما نمی‌گوید بگذاریم براحتی دو طرف برگردند سر جای اول‌شان. به نظر من ما در شرایط جدید باید قدری با متانت و بی‌تفاوتی با برجام مواجه می‌شدیم. بنابراین به نظر من پیش‌شرط‌های جدید آمریکا هم ضمن اینکه خلاف اخلاق، خلاف اصول سیاسی، حتی خلاف موازین بین‌الملل است و غیرقابل توجیه می‌باشد، اما چیز عجیب و غریب و غیر قابل پیش‌بینی نبوده.

■ برخی در این موضوع سهمی را هم برای نمایش‌های داخلی بایدن برای رقبای سیاسی داخلی اش می‌گذارند و معتقدند او قدری هم می‌خواهد این پیام را به جمهوریخواهان بدهد که مقابل ایران آنقدرها هم نرم نیست. باینکه یک تفسیر دیگر وجود دارد و آن اینکه بایدن می‌خواهد اول کار، خود را سرسخت نشان دهد و در ادامه نرم‌تر خواهد شد. شما فکر می‌کنید نقش این دست مسائل در موضع اخیر آمریکا چقدر است؟

در آمریکا گروه‌های مختلفی در سیاست خارجی ذخیل هستند. به غیر از وزارت خارجه، شورای امنیت ملی، پنتاگون، سیا و امثال اینها باید نقش اندیشکده‌ها، گروه‌های درگیر اوضاع خاورمیانه، گروه‌های درگیر موضوع ایران،

دارند. ما باید کل آن صحنه را ببینیم. همه این افراد گفته‌اند که اگر برگردند به برجام و کارها خوب پیش برود، برجام سکویی است برای موضوعات منطقه‌ای و موشکی. معنی این حرف و پیام کاملاً مشخص است.

■ خب مسأله این است که چقدر امکان دارد روی این مواضع بایستند؟ به هر حال در دوره قبل شاهد بودیم که از خیلی از خواسته‌ها و وعده‌ها چشم‌پوشی می‌شد. مسأله ما اینجاست که در جاهایی عقب نشستند اما چگونه؟ اول شما به زمانی که صرف شد توجه کنید. بعد هم اینکه به هر حال ما هم امتیاز دادیم. اینکه الان هم عقب بنشینند کاملاً محتمل است اما بستگی دارد که ما چقدر روی مواضع خودمان بایستیم و درست و منطقی رفتار کنیم و دچار هیجان‌های کاذب نشویم. در این مقطع هم هیجان بازگشت آمریکا و شروع زود هنگام

مذاکره هیجان کاذب و منفی است و هم نفی کامل برجام و تلاش برای نابودی آن به هر قیمتی. این دو رویکرد مثل دو لبه یک تیچی علیه منافع ملی ما عمل خواهند کرد. آمریکا الان یک سیاست کج‌دار و مریز در قبال ایران و برجام دارد که در کوتاه‌مدت تکلیف نهبانی آن را روشن نخواهد کرد. یعنی سیگنال‌هایی می‌فرستد اما همزمان دارد میزان مقاومت و اشتیاق ما، سطح اثرگذاری تحریم‌های ترامپ و در کل زمینه‌های مورد نظرش برای گرفتن امتیازات حداکثری از ایران را می‌سنجد. این سنجش هم زمان خواهد برد و در چند روز و چند هفته تمام نخواهد شد. برجام برای آمریکا معاهده پاریس یا دیوار حایل نیست، یک بحث استراتژیک در مهم‌ترین منطقه جهان است که خیلی از معادلات را تغییر خواهد داد. بنابراین شک نکنید که یک شبه و سریع تصمیم نخواهد گرفت. برای پی بردن به سیاست بایدن در قبال برجام، باید شعارها و تبلیغات انتخاباتی او و تیمش را فراموش کنید و متوجه تأثیر نیروهای داخلی آمریکا و نیروهای بین‌المللی بر این صحنه و همین‌طور معادلات سود و زیان همه این طرف‌ها شوید.

■ این توصیه چقدر با واقعیات جامعه ایران و بخصوص وضعیت اقتصادی همخوانی دارد؟ ببینید تحریم‌ها اثر خودش را گذاشته. بانک جهانی اعلام کرده که اقتصاد ۲۰۲۱ ایران از سال قبل بهتر است و جاهایی رشد مثبت را خواهیم داشت. این نشان می‌دهد که تحریم‌ها کارایی اش را از دست داده. یا وزیر نفت می‌گوید فروش نفت در حال بهبود است و رئیس جمهوری گفته به جز نفت، سی و چند میلیارد دلار صادرات داشته‌ایم. یعنی جریان تجارت و اقتصاد هم در حال انجام شدن است. من از اینها می‌توانم بفهمم کارآمدی تحریم تمام شده است و باید این معنا را به آمریکا و اروپا هم منتقل کنیم که نه نگران تحریم هستیم و نه از روند بازگشت آمریکا به برجام. ضمن اینکه باید باور کنیم که آمریکا بدون پیش‌شرط گرفتن امتیاز و بدون اما و اگر محال است به برجام برگردد.

■ خب این مسأله چطور با اقداماتی نظیر انتصاب رابرت مالی و سیگنال‌هایی از این دست قابل جمع هستند؟ آقای رابرت مالی سیاست‌گذار نیست، یک کارگزار و مجری است. آنکه سیاست می‌گذارد کسان دیگری هستند. در همین ایران وقتی کسی را نماینده ویژه در جایی می‌گذارند مگر این فرد حق سیاست‌گذاری دارد؟ حداکثر می‌تواند برای سیاست‌گذاری اطلاعات و مشاوره بدهد. دولت بایدن هنوز در سطح سیاست‌گذاری و استراتژیک آن سیگنالی که نیاز هست را نفرستاده است. دلخوش بودن به اقدامی مانند انتصاب آقای مالی، دلخوشی بی‌مبنایی است. انتخاب آقای مالی سیگنال نیاز هست را نفرستاده است. دلخوش بودن به اقدامی مانند انتصاب آقای مالی، دلخوشی بی‌مبنایی است. انتخاب آقای مالی سیگنال

نیاز هست را نفرستاده است. دلخوش بودن به اقدامی مانند انتصاب آقای مالی، دلخوشی بی‌مبنایی است. انتخاب آقای مالی سیگنال نیازی نیست و در آینده باید برای تأمین منافع خود آماده برخی تحولات باشیم. با این منازعه فعلی آن سطح مطلوب آمادگی را نخواهیم داشت



هر امتیاز جدیدی برای ایران متوقف است به اینکه ما چقدر در موضع قدرت قرار بگیریم. چه به لحاظ اقتصادی، چه سیاسی و چه نظامی. من از روز اول در مذاکرات هسته‌ای بودم. یک زمانی هزارسانتریفیوژ که به این موارد مشغول کنیم. باید سیاست‌های خودمان را دنبال کنیم و هر وقت زمان آن رسید بر اساس مقتضیات تصمیم بگیریم.

■ خب یکی از متغیرهای این معادله هم منازعه جدی در داخل ایران بر سر موضوع برجام است. وقتی این شرایط را با مسأله بازه زمانی مورد اشاره شما کنار هم قرار می‌دهیم خیلی توجیه می‌توانیم رسید این منازعه در حال تشدید هم باشد. به لحاظ کردن این متغیر فکر می‌کنید چه چیزی در انتظار ما باشد؟

برجام در زمان خودش یک ضرورت و تصمیم نظام بود و با کیفیت مطلوبی هم حاصل شد. به هر چند مشکلاتی هم داشت. اما اصل مشکل یکی کم عملی اوپاما و دیگری نقض عهد کامل ترامپ بود. اصل پاشنه آشیل ما همین جاست. من می‌خواستم به همین‌جا برسیم، ما داریم به هر دلیل به سمت یک برهه زمانی هم حرکت می‌کنیم که قطعاً تحولاتی تازه بین ایران و آمریکا شکل خواهد گرفت. تعیین اینکه این تحول چه باشد و چقدر سازنده باشد خیلی در دست ماست. اما در داخل متأسفانه مسأله را تبدیل به یک گروه‌کشی کرده‌ایم. اینکه گفتن برخی در داخل بیش از اندازه برجام را برجسته کردند، شاید عکس‌العملی بود در برابر رقبای داخلی که به هر بهانه و هر شکلی به برجام تاختند و آن را محل نخطه سیاسی رقیب کردند. واکنش هم برای دفاع در برابر این حمله، دفاع از برجام بابت ترس از نابودی آن بود. معلوم نیست دولت آینده ما دست چه جریانی باشد اما یک تحول یسین ما و آمریکا در آینده احتمالاً در دولت بایدن قطعی به نظر می‌رسد. الان دوره انتقال ماست، یعنی دوره‌ای که وظیفه دستگاه دیپلماسی و بقیه دولت و حتی نظام این است که بهترین شرایط را برای دست بالا گرفتن در آن موقعیت بعدی، در دولتی که هر گزایشی که می‌خواهد باشد، آماده کند. ما با این برخوردی که در مواردی با منافع ملی می‌کنیم، در آن مقطع به مشکل خواهیم خورد. چون زمینه اجماع را داریم با برخی افراط و تفریط‌ها از بین می‌بریم و این یعنی آنکه جایی که باید بتوانیم سریع و متحد و منطقی تصمیم بگیریم، صد درصد توان را نخواهیم داشت. رقبای دولت فعلی باید به بدانند که در خصوص مسأله هسته‌ای، دولت فعلی باید در بهترین شرایط برای دادن یک پاس گل به دولت بعدی باشد. حالا آن دولت، دولت هر جناحی که می‌خواهد باشد. اینجا بحث ملی است. احتمال این حالت فعلاً به نظر بیشتر از بقیه هسته‌ای‌ها می‌رسد. در آن صورت در چنین مقطعی در آینده ایران باید عمل خود را در ابعاد سیاسی در جاهایی که حمایت کردند. به صرف یک همراهی سیاسی نباید دلخوش باشیم. آن همراهی سیاسی خوب و مفید بود اما تا کی؟ تا ابد که نمی‌توانیم به دلخوش باشیم.

■ تفسیری وجود دارد که می‌گوید زمانی که همه دنیا و حتی چین و روسیه هم در شورای امنیت علیه ما بودند، برگرداندن ورق بازی با دیپلماسی امکانپذیر شد. الان چقدر باید انتظار چنین چیزی را داشت، در شرایطی که حداقل در موضوع برجام امکان‌گذار نشده نه ایران؟

■ یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۹
■ سال بیست و هفتم
■ شماره ۷۵۵۵

همیشه مذاکرات و گفت‌وگوهای دیپلماتیک می‌توانند موفق باشند به شرطی که ضمیمه میدانی داشته باشد. بدون این ضمیمه میدانی هیچ دیپلماتی نمی‌تواند کاری بکند. مصر بهترین دیپلمات‌ها را دارد که خیلی‌ها در قامت بلند بین‌المللی هستند، اما چون ضمیمه میدانی ندارند، همیشه دارند به رژیم صهیونیستی امتیاز می‌دهند. این پیوست میدانی، نظامی و اقتصادی را اگر نداشته باشیم تنها به دیپلماسی نمی‌شود دلخوش باشیم. اینکه بتوانیم در منطقه همکاری ایجاد کنیم و مقاومت تقویت بشود و طرف مقابل احساس کند در جاهایی برای پیشبرد اهدافش باید با ایران هماهنگ شود، آن وقت در این چنینی می‌شود به گرفتن امتیازات مطلوب دلخوش بود. اما اینکه الان سریع به دل میدان مذاکره بزنیم قطعاً برای ما سودی نخواهد داشت.

باید صبر کرد و تحولات را دید. همین آقای رابرت مالی یک گزارش ۳۸ صفحه‌ای قبل از انتخاب قطعی خود نوشته، یک چیزهایی را گفته و در آن تأکید کرده که دولت نباید عجله کند و مذاکرات را با دولت بعدی ایران انجام دهد. این تازه عنصر ضد تحریم دولت آمریکاست. لذا نباید خودمان را زیاد به این موارد مشغول کنیم. باید سیاست‌های خودمان را دنبال کنیم و هر وقت زمان آن رسید بر اساس مقتضیات تصمیم بگیریم.

■ خب یکی از متغیرهای این معادله هم منازعه جدی در داخل ایران بر سر موضوع برجام است. وقتی این شرایط را با مسأله بازه زمانی مورد اشاره شما کنار هم قرار می‌دهیم خیلی توجیه می‌توانیم رسید این منازعه در حال تشدید هم باشد. به لحاظ کردن این متغیر فکر می‌کنید چه چیزی در انتظار ما باشد؟

برجام در زمان خودش یک ضرورت و تصمیم نظام بود و با کیفیت مطلوبی هم حاصل شد. به هر چند مشکلاتی هم داشت. اما اصل مشکل یکی کم عملی اوپاما و دیگری نقض عهد کامل ترامپ بود. اصل پاشنه آشیل ما همین جاست. من می‌خواستم به همین‌جا برسیم، ما داریم به هر دلیل به سمت یک برهه زمانی هم حرکت می‌کنیم که قطعاً تحولاتی تازه بین ایران و آمریکا شکل خواهد گرفت. تعیین اینکه این تحول چه باشد و چقدر سازنده باشد خیلی در دست ماست. اما در داخل متأسفانه مسأله را تبدیل به یک گروه‌کشی کرده‌ایم. اینکه گفتن برخی در داخل بیش از اندازه برجام را برجسته کردند، شاید عکس‌العملی بود در برابر رقبای داخلی که به هر بهانه و هر شکلی به برجام تاختند و آن را محل نخطه سیاسی رقیب کردند. واکنش هم برای دفاع در برابر این حمله، دفاع از برجام بابت ترس از نابودی آن بود. معلوم نیست دولت آینده ما دست چه جریانی باشد اما یک تحول یسین ما و آمریکا در آینده احتمالاً در دولت بایدن قطعی به نظر می‌رسد. الان دوره انتقال ماست، یعنی دوره‌ای که وظیفه دستگاه دیپلماسی و بقیه دولت و حتی نظام این است که بهترین شرایط را برای دست بالا گرفتن در آن موقعیت بعدی، در دولتی که هر گزایشی که می‌خواهد باشد، آماده کند. ما با این برخوردی که در مواردی با منافع ملی می‌کنیم، در آن مقطع به مشکل خواهیم خورد. چون زمینه اجماع را داریم با برخی افراط و تفریط‌ها از بین می‌بریم و این یعنی آنکه جایی که باید بتوانیم سریع و متحد و منطقی تصمیم بگیریم، صد درصد توان را نخواهیم داشت. رقبای دولت فعلی باید به بدانند که در خصوص مسأله هسته‌ای، دولت فعلی باید در بهترین شرایط برای دادن یک پاس گل به دولت بعدی باشد. حالا آن دولت، دولت هر جناحی که می‌خواهد باشد. اینجا بحث ملی است. احتمال این حالت فعلاً به نظر بیشتر از بقیه هسته‌ای‌ها می‌رسد. در آن صورت در چنین مقطعی در آینده ایران باید عمل خود را در ابعاد سیاسی در جاهایی که حمایت کردند. به صرف یک همراهی سیاسی نباید دلخوش باشیم. آن همراهی سیاسی خوب و مفید بود اما تا کی؟ تا ابد که نمی‌توانیم به دلخوش باشیم.

■ تفسیری وجود دارد که می‌گوید زمانی که همه دنیا و حتی چین و روسیه هم در شورای امنیت علیه ما بودند، برگرداندن ورق بازی با دیپلماسی امکانپذیر شد. الان چقدر باید انتظار چنین چیزی را داشت، در شرایطی که حداقل در موضوع برجام امکان‌گذار نشده نه ایران؟

■ یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۹
■ سال بیست و هفتم
■ شماره ۷۵۵۵

اجرای حکم اعدام در زاهدان

«**خبر اول اینکه**، دادگستری کل استان سیستان و بلوچستان اعلام کرد که بامداد شنبه حکم مجازات یکی از سرکرده‌های وابسته به گروه جیش‌الظلم در سیستان و بلوچستان اجرا شد. در اطلاعیه روابط عمومی دادگستری کل این استان آمده است: «حکم مجازات جاوید دهقان خلد معروف به محمد عمر به سبب محاربه از طریق کشیدن سلاح و حمله مسلحانه به مأموران سپاه و عضویت و همکاری با گروهک جیش‌الظلم و جیش‌النصر اجرا و وی به دار مجازات آویخته شد. او در تاریخ ۱۵ خرداد ۹۴ دستگیر و پس از تفهیم اتهام اقدام مسلحانه علیه کشور و عضویت و همکاری مؤثر با گروهک‌های تروریستی پرورنده نامبرده با صدور کیفرخواست برای رسیدگی به دادگاه انقلاب اسلامی زاهدان ارسال شد. دادگاه پس از انجام رسیدگی‌های قضایی نسبت به متهم جاوید دهقان خلد اقدام به صدور رأی کرد و بر اساس حکم دادگاه بدوی به اعدام محکوم شد. در نهایت، پس از قطعی‌ت حکم در دیوان عالی کشور و طی تشریفات قانونی، جاوید دهقان خلد بامداد شنبه در محوطه زندان به مجازات رسید. شرکت در عملیات تروریستی در کوه بیرک ایرانشهر که منجر به شهادت دو تن از نیروهای سپاه گردید و ربایش پنج نفر از مرزبانان در سراوان از جمله اقدامات تروریستی این فرد بوده است؛ بنابراین گزارش، در پی وقوع یک حادثه تروریستی در ظهر روز ۲۰ فروردین ماه سال ۹۴ دو نفر از پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هنگام پایین آمدن از کوه بیرک در کمین نیراندازی تروریست‌ها قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. در ماجرای ربایش پنج نفر از مرزبانان کشورمان نیز جاوید دهقان خلد در نقش سرکرده تروریست‌ها اقدام کرد؛ در جریان این ماجرا، یکی از مرزبانان کشورمان به‌نام «جمشید دانایی فر» که در تاریخ ۱۷ بهمن ماه ۱۳۹۲ به همراه ۴ سرباز دیگر در منطقه مری نگور جاپهار توسط اشرا ر بوده شده بود، توسط تروریست‌ها به شهادت رسید.»

بازداشت ساشا سبحانی به اتهام قاچاق و پولشویی

«**خبر دیگر اینکه**، فرزند سفیر اسبق ایران در ونزولا، دستگیر شد. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، روزنامه «ال موندو» چاپ اسپانیا از دستگیری «ساشا سبحانی» از چهره‌های فعال در اینستاگرام به جرم قاچاق انسان و پولشویی توسط اینترپل خبر داد. به گفته این روزنامه، احتمال استرداد ساشا سبحانی به ایران وجود دارد. وی سال‌ها در ونزولا اقامت داشت و پس از آن به مادرید اسپانیا نقل مکان کرد. نام ساشا با انجام اقدامات هنجار شکنانه در فضای مجازی معروف شد. او همچنین در گرداندن سایت‌های شرط‌بندی هم فعالیت داشت. این رسانه اسپانیایی از قول ساشا سبحانی نوشته که از مقامات قضایی اسپانیا خواسته تا او را به ایران تحویل دهند.

بررسی پرونده افراد پشت صحنه حوادث آبان ۹۸

«**دست آخر اینکه**، رئیس کل دادگستری استان اصفهان از بررسی پرونده برخی افرادی که در پشت صحنه حوادث آبان ۹۸ بودند، خبر داد. به گزارش ایسنا محمدرضا حبیبی با اشاره به اینکه در جریان این اعتراضات، ضد انقلاب سوار بر موج شده و سعی کردند از اعتراضات مردمی سوءاستفاده کنند، گفت: در جریان این وقایع تعداد قابل توجهی از افراد شناسایی و دستگیر شدند که تحریک شده و ارتباطاتی با بیرون از کشور داشتند و شروع به تخریب و آسیب زدن به اموال عمومی کردند. وی با تأکید بر اینکه معتز زادان ۹۸ دس‌بنده‌ی مدعی شده، بدون اشاره به تعداد این افراد، ادامه داد: این بین این افراد برخی مصدوم‌بای گناه بودند که تحت پوشش بنیاد شهید قرار گرفتند، اما برخی حتی پشت صحنه بودند که پرونده‌های آنها نیز تشکیل شده و در حال بررسی است.

طریف در آخرین مقصد سفر منطقه‌ای خود تأکید کرد

نقش محوری نخجوان در همکاری‌های تجاری و ترانزیتی منطقه

گروه سیاسی/ محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران در ادامه سفر به منطقه قفقاز و در آخرین بخش از سفر خود روز گذشته وارد جمهوری خودمختار نخجوان شد تا درباره امکانات ترانزیتی و همکاری در منطقه بعد از پایان جنگ قره باغ با مسئولان این منطقه دیدار و گفت‌وگو کند. ظریف حضور در نخجوان را فرصتی برای همکاری بیشتر ارتباطی بعد از جنگ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان دانسته و آن را زمینه ساز یک صلح پایدار در منطقه توصیف کرده است. به گزارش ایرنا، او در بدو این سفر با «واصف طالب‌اف»، رئیس مجلس عالی نخجوان دیدار و گفت‌وگو کرد و با ابراز خرسندی از آغاز سفر منطقه‌ای خود از باکو و پایان آن در جمهوری خودمختار نخجوان، از آزادسازی راه‌های اشتغالی به‌عنوان تحولی یاد کرد که به گفته او اگر چه انسان‌هایی در ارتباط جان خود را از دست دادند، اما آزادسازی آن موجب خرسندی جمهوری اسلامی ایران است و در عین حال لازم است با استفاده از فرصت پیش آمده برای همکاری‌های منطقه‌ای، از وقوع مجدد چنین درگیری‌هایی در آینده پیشگیری کرد.

ظریف با تشریح سفر منطقه‌ای خود و گفت‌وگوهای انجام شده و همچنین دیدگاه‌های مقامات کشورهای مذکور، از استقبال عمومی از همکاری منطقه‌ای سخن گفت و اهمیت آن خصوصاً در حوزه برقراری اتصالات حمل‌ونقل در منطقه و مسیرهای ترانزیتی بویژه نقش مهم نخجوان در این ارتباط را مورد تأکید قرار داد.

«واصف طالب‌اف» هم در این دیدار با ارائه گزارشی از وضعیت همکاری‌های نخجوان با کشورمان در حوزه تبادلات تجاری و برق و در موضوعات فرهنگی بویژه زبان فارسی، آمادگی نخجوان در حوزه‌های راه‌اندازی، ترانزیت، راه‌ها، گمرکات و مسیرهای فراهم شده برای پذیرش کالاهای ترانزیتی با هدف توسعه همکاری‌های منطقه را مورد تأکید قرار داد. مسائل محیط زیست ارس، رسیدگی به امور ایرانیان مقیم و کرسی زبان فارسی در دانشگاه دولتی نخجوان از دیگر موضوعات مورد گفت‌وگو در این دیدار بود.

ظریف در این دیدار از رئیس مجلس عالی نخجوان به‌دلیل ترجمه کتاب «دیپلماسی چند جانبه» ایشان به زبان آذری و تدریس آن در دانشگاه دولتی نخجوان تشکر و قدردانی کرد. وزیر خارجه بعد از این ملاقات و طی بازدیدی از جمهوری خودمختار نخجوان با بیان اینکه جمهوری خودمختار نخجوان برای آینده منطقه صلح دار قفقاز بسیار حیاتی و مرکزی خواهد بود، گفت: «باید کاری کنیم که خاطره تلخ جنگ در این منطقه تکرار نشود و تنها راه، از طریق همکاری مفید برای همه است». رئیس دستگاه دیپلماسی ایران با اشاره به اینکه در این همکاری و ایجاد جاده‌های مواصلاتی، جمهوری خودمختار نخجوان نقش مهمی را دارد، ادامه داد: «بر اساس گفت‌وگوهایی که در پنج کشور داشتم امیدواریم بتوانیم همکاری همه جانبه برای اتصال در این منطقه چه کریدور شمال – جنوب چه کریدور جنوب – غرب ایجاد کنیم و از این طریق خلیج فارس را به روسیه و دریای سیاه وصل کنیم و در همه این کریدورها جمهوری خودمختار نخجوان نقش بسیار مهمی ایفا خواهد کرد.»